

بقلم آقای حاجی حسین آقاجانجوانی

مسجد کبود تبریز

یا عمارت مظفریه

یکی از آثار و ابنیه عالی و با عظمت ایران مسجد کبود تبریز است که از یادگارهای قرن نهم هجری است نمونه بارزی از صنایع استادان و صنعتگران ماهر و آثار معماران هنرمند ایرانی بشمار است بسیار مایه تأسف است که از این بنای عالی و زیبا که وقتی از عمارات باشکوه و مجمل تبریز بود اکنون جز چندین در و دیوار شکسته و پاشیده دیگر چیزی باقی نمانده است لیکن (از نقش و نگار در و دیوار شکسته آثار پدید است صنایع عجم را) نام این مسجد به ترکی (گوی مسجد) و بفارسی مسجد کبود است مسجد جهانشاه نیز میگویند لیکن در سابق (مسجد و عمارت مظفریه) نام داشت دلیل واضح بر عمارت مظفریه بودن این بنا همانا کتیبه طاق درگاه است که (العمارة المبارکة المظفریه) اکنون نیز پیدا است بانی این مسجد میرزا جهانشاه بن قرايوسف ترکمان است که سومین پادشاه از سلاطین طایفه قراقوینلو است از طایفه قراقوینلو چهار تن در ایران سلطنت کرده اند و مدت حکومتشان شصت و سه سال

بود اول ایشان قرا یوسف بن قرامحمد یورمنشی بن بیرام خواجه تر کمانست که در سنه هشتصد و بیست سه قمری در گذشته در تاریخ وفاتش بعضی از ادباء عصر این بیت را گفته است :

وفات میر یوسف شاه تبریز (کتابت) شد بتاریخ کتابت

۸۲۷

دوم اسکندر بن قرا یوسف است که در سنه هشتصد و چهل و یک بقتل رسیده سوم میرزا جهانشاه بن قرا یوسف است که در سنه هشتصد و سی و نه قمری با متابعت شاهرخ بن امیر تیموز در آذربایجان و نواحی شمالغرب ایران با قدرت و تسلط تمام حکومت کرده سپس عراق و خراسان را نیز فتح نمود در اواخر سلطنت وی پسرانش حسنعلی و پیربوداق پاغی شده بر علیه پدر علم عصبان برافراشته از توسعه حکومت و کشور - گشائی وی مانع شدند در سنه هشتصد و هفتاد دو قمری میرزا جهانشاه بقصد دفع حسن بیك (۱) حاکم دیار بکر رفته کاری از پیش نبرده و مراجعت نمود سواران حسن بیك تعقیب نموده وی را با چند تن از پسران و همراهانش کشتند جسد او را به تبریز نقل و در عمارت مظفریه همین مسجد کبود که خود ساخته بود دفن کردند عمرش هفتاد و دو سال و مدت سلطنتش سی و سه سال و اندی بود در تاریخ وفاتش بعضی از شعرا آنعصر این قطعه را گفته است :

اردوی جهانشاه بهادر نویان با آنهمه اسباب و زبردستی و پشت
ثانی عشر ماه ربیع الثانی ویران شد و تاریخ (حسن بیك بکشت)

۸۲۴

(۱) حسن بیك بن علی بیك بن عثمان بیك بن قتلغ بیك همان اوزون حسن است که سر سلسله طایفه آق قویونلو است مدت سلطنتش ۸۷۲ - ۸۸۲ و نظر به بلندی قامت وی اوزون حسن میگویند (اوزون) در ترکی بمعنی بلند است

چهارم از طایفه قراقوینلو حسنعلی بن جهانشاه است که پس از یکسال سلطنت و حکمرانی در گذشته و سلسله قراقوینلو بامرکوی باخر رسید . میرزا جهانشاه از مشاهیر سلسله قراقوینلو است مرد شجاع و دلیر و ادیب دانشمندی بوده صاحب سیف و قلم بود از شعر و شاعری بهره زیادی داشت در شعر حقیقی تخلص میکرد نوشته‌اند وقتی دیوان اشعار خود را بنظر ملاحظه حضرت عبدالرحمن جامی فرستاد جامی در تعریف و توصیف اشعار وی این ایات را نوشت :

همایون کتابی چو درجی زدر	رسید از گهرهای تحقیق پر
در او هم غزل درج هم مشنوی	ز اسرار صوری و هم مننوی
ز مقطع چگویم که هر مقطعی	ز فیض ابد را بود منبوی
شده طالع از مطلع هر غزل	فروغ تباشیر صبح ازل
بصورت پرستان کوی مجاز	ز شاه حقیقی نشان داده باز

فرزندش پیر بوداق وقتی بر علیه پدر عصیان نمود قلعه بغداد را تصرف و با پدر مصاف کرد جهانشاه این قطعه را از راه نصیحت به -
پسرش فرستاد :

ایخلف از راه مخالف بتاب	تیغ بیفکن که منم آفتاب
شاه منم ملک و خلافت مراست	تو خلفی از تو خلافت خطاست
غصب مکن منصب پیشین ما	غصب روا نیست در آیین ما
ای پسر ارچه بشهی در خوری	با پدر خویش مکن سروری
تیغ مکش تانشوی شرمسار	شرم منت نیست ز خود شرمدار
با چو منی تیغ فشانی مکن	دولت من پیر و جوانی مکن
گرچه جوانی تو فرزانگیست	این چه جوانیست که دیوانگیست
گر سپهم پا برکاب آورند	ریک بیابان بحساب آورند
خاک بچنبد چو بچنیم زجای	چرخ نخیزد چو نخیزم بای

پیر بوداق نصیحت پدر را قبول نکرده و دست از جنگ برداشته و در جواب پدر این قطعه را نوشته فرستاد تا اینکه در سنه ۵۸۷ هجری و دستاد به تدبیر جهانشاه بدست برادرش محمدی گشته شد :

ای دل و دولت بلقای توشاد	باد ترا شوکت و بغت و مراد
تپخ مکش بر رخ فرزند خویش	رخنه مکن گوهر دلپند خویش
خرد نیم طفل که دیدی نخست	بالغ ملکم به بلاغت درست
شرط ادب نیست مرا طفل خواند	بخت چو بر جای بزرگم نشاند
شاخ کهن علت بستان بود	نخل جوان زیب گلستان بود
هر دو جوانیم من و بغت من	با دو جوان پنجه بهم بر مزن
لشگر من نیست کم از لشکرت	کشور من نیست کم از کشورت
با چو منت بهر تمنای ملک	خام بود پختن سودای ملک
پخته ای آخر دم خای مزن	من ز تو زادم نه تو زادی ز من
قلعه بغداد به من شد تمام	کی دهم از دست بسودای خام
پایه من کیست که جوید دلیر	صید بقوت که ستاند ز شیر
چون تو طلب میکنی از من سریر	من ندهم گر تو توانی بگیر (۱)

بالجمله مسجد کبود یا عمارت مظفریه یکی از آثار برجسته و یادگارهای خجسته آن پادشاه است که ذوق صنعت دوستی و عشق عمران آبادی آن پادشاه دانشمند را حکایت میکند با کمال تاسف باید گفت که این بنای عالی در اثر انقلابات روزگار و زلزله‌های بیشمار که در تبریز واقع شده گدبد و مناره‌های آن فرو ریخته و با خاک یکسان شده درگاه عالی و طاق بی نظیر و بلندش اگرچه شکسته هنوز با آن عظمت خود پیا است لیکن قسمت‌های مهم از سر درب و اطراف شکسته و ریخته با همه این :

(بدین شکستگی ارزد بصد هزار درست)

(۱) این اعمار از يك جنگ قدیمی بدست آمده

کتیبه‌ها و نوشته‌هایی با خط ثلث بسیار عالی در اغلب در و دیوار مسجد با کاشی مفرق مسطور است در یکی از حاشیه‌های دیوار سوره حمد با کاشی بسیار عالی نوشته شده بسم الله الرحمن الرحيم را بلا انفصال با خط ثلث عالی با کاشی نوشته پس از اتمام سوره حمد این آیه شریفه را متصل به حاشیه کاشی بری نموده الحمد لله الذی خلق السموات والارض و جعل للظلمات والنور و انذین کفروا الی آخر و این اسماء الله ثلاثه در بسیاری از طاق دیوار- های مسجد مکرر با کاشی نوشته شده یا وتر یا دائم یا فرد همچنین بخط ثلث عالی در اغلب دیوارها و گوشه طاقها این اسماء الله نوشته شده یا احد یا صمد یا عزیز یا خلاق یا وهاب یا ساقی یا کافی یا باقی یا مجیب یا قریب یا تواب در جلو درومی در گاه که داخل مسجد میشود طرف دست چپ در دیوار طاق با ارتفاع چهار متر در لوحی از کاشی بخط خیلی عالی این مصراع نوشته شده (کردار بیار و گرد گفتار مگرد) و بهمان طرز در طرف مقابل آن مصراع دیگر نوشته شده (چون کرده شود کار بگویند که کرد) کتیبه سر درب مسجد با خط ثلث بسیار عالی از کاشی سفید که متن آن آبی رنگ است چنین مسطور است مقداری از اول (افتاده) السلطان الاعظم المطاع الخاقان الاعلم الامام (افتاده) ابن العظفر (سلطان جهان‌شاء) بن شاه یوسف نویان رفیع الله العلی الاعلی بدوام خلافته لواء الذین (افتاده) الافاصه مبراته مبنی الملک و دعائم قباب الحق المبین آمین در حاشیه طاق درگاه مشرف بخیابان طرف راست مسطور است بسم الله الرحمن الرحيم انما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الاخر و اقام الصلوة و آتی الزکوة و لم یخس الا الله (افتاده) ان ینکونوا من المهتدین (افتاده) بالای درگاه قسمت فوقانی تماماً ریخته و از بین رفته در حاشیه طرف چپ مشرف بخیابان نیز مقداری از اول ریخته بقیه المبین و الصلوة علی نبیه محمد و صحبه (افتاده) العمارة المبارکة المغنیه فی رابع ربیع الاول من سنة سبعین و ثمانمائة اقل العباد نعمة الله ابن محمد ابواب خوشبختانه قسمت تاریخ بنا کاملاً سالم و بی خطر مانده است سبک معماری

و کاشی کاری متفرق و نقوش هندی شکل این بنا و مرمرهای ضخیم و موجدار آن در هیچ يك از بناهای دوره صفویه یا قبل از آن دیده نشده و ابداً مثل و مانندی ندارد کاشیهای معرق آن بتصدیق اهل خبره بمراتب از کاشیهای مساجد دوره صفویه در اصفهان عالی تر است حتی کاشیهای این مسجد از کاشیهای مسجد گوهرشاد آقا (۲) در مشهد مقدس رضوی با اینکه در يك عصر و نزدیک بزمان یکدیگر ساخته شده بهتر و عالی تر است فرقی که هست اینست مسجد گوهرشاد مشهد سالم و بی عیب مانده لیکن مسجد گبود تبریز بکلی خراب و منهدم شده مرحوم میرزا محمدعلی خان تربیت در زمان ریاست خود در شهرداری تبریز در سنوات هزار و سیصد و هفت و سیصد و هشت هجری شمسی یعنی قریب بیست سال پیش مختصر اصلاح و تعمیری در مسجد بعمل آورده تخته سنگهای مرمر مسجد را که اغلب افتاده و شکسته در زیر خروارها خاک پنهان بود در آورده بجای خود نصب نمود و رفت و رویی از زباله و خاکروبهای داخل مسجد کرد و در بعضی قسمتهای دیوار و محوطه‌هایی بنا نمود که از انهدام بتیبه آن جلوگیری شود آیا بهتر نیست که در این مورد به اروپائیها تاسی کرده و آثار باستانی خود را حفظ کنیم موزه‌های اروپا اغلب از آثار و صنایع ظریفه باستانی ایران و مشرق زمین پر است با چه سلیقه و اسلوبی آنها را در محفظه‌ها نگاه داشته و چه شرحها و تاریخها بر آنها نگاشته‌اند افسوس که ما خودمان قدر و قیمت این همه ذخایر گران بها را نمیدانیم از قراریکه بعضی از مورخین نوشته‌است این عمارت مظفریه منحصر به مسجد نبوده بلکه عمارات و ساختمانها و تفرعات زیادی نیز از خانقاه و ملحقات وزوایا و صحن و

(۲) گوهرشاد آقابانی مسجد معروف مشهد خواهر همین قرا یوسف پدر جهان‌شاه

است که زوجه میرزا شاعرخ بن امیر تیمور بود

رواق و حیوضخانه جزء این مسجد بوده است و بعضی از سیاحان و مورخین نوشته اند که صالحه خاتون دختر جهانشاه بانی این عمارت بوده البته بامر جهانشاه بنا نموده بعد از فوت جهانشاه از سلاطین آق قویونلو یعقوب بیگ بن حسن بیگ بعضی قسمت های عمارت مظفریه را تعمیر و تکمیل نموده در تأیید این ترتیب نیز در دانشمندان نوشته که کتابه خانقاه آن را قاضی حسین مبینی مشهور با چشم خود دیده و تماشا کرده است و در مجموعه منشآت خود چنین نقل کرده است (اتفق تهید هذا السقف و تشیید هذا البيت المطبوع فی ایام السلطان الاعظم الاعدل الخاقان الاکرم الاکمل باسط بساط الامن علی البریه قاسم سهام الفضل علی السویه ناصب لواء القریبه الیضاه رافع بناء طریقه الزهراء التوکل علی المہیمن الرحمن ابی المظفر یعقوب بهادر خان ابدالله تعالی فلیک و اجری فی بحر التوفیق فلیک و ما هی الا حسنة من حسنات المخدمومة العظمی المصومومة النجفی الوسومومة بکمال الاحسان الخاتون صالحه بنت الخاقان المطاع الفارس الشجاع المتمیز عن الاشیاء السلطان جهانشاه و در جای دیگر نوشته جلال الدین دوانی که از فحول علماء و دانشمندان ایران است در آن زمان در تبریز تشریف داشته و شواکل المعور فی شرح هیاکل النور را که در یکی از زوایای آن عمارت تالیف فرموده در آخر آن چنین نوشته است قد فجز تحریره یسین مؤلفه بمد العشاء الآخر من لیلة النجیب المعادی عشر من شوال ختم بالخیر والاقبال لسنة اثین و سبعین و ثمانین للهجرة بدار الموحدين تبریز فی الزاوية المباركة المظفرية شکر الله سعی باینها السلطان ابی المظفر جهانشاه و رفع درجته فی العلیین و کان نهضته الی جانب دیار بکر فی اوایل هذه السنة و وقع هجوم الاعداء علیه واعتیاله فی الثالث عشر من ربيع الاول للسنة المذكورة

از مورخین و سیاحان اروپائی و ایرانی نیز هر کدام که این مسجد را دیده اند در تالیفات و سیاحتنامه های خود از عظمت و شکوه و جلال

این بنای زیبا و سبک معماری و کاشیکاری آن که هر بیننده را مبهوت و متحیر ساخته تعریف و توصیف زیاد نوشته‌اند از جمله آنها مسیو تاورنیه فرانسوی است که در سنه هزار و چهل و شش هجری مسافرت بایران نموده در سیاحتنامه خود راجع به مسجد گبود تحقیقات کاملی نموده که چون خالی از فایده نبود در تکمیل اینمقاله از تحقیقات دقیق ایشان استفاده و از بعضی قسمت‌های مجهوله که سیصد سال قبل بچشم خود دیده‌شده نوشته میشود در اطراف میدان بزرگ تبریز و مجاورت آن بقیه آثار و بناهای عالی دیده میشود و چهارپنج مسجد را که در عظمت بنا بی نظیر هستند بخرابی واگذارده‌اند یکی از آن مساجد که بهتر و عالی‌تر از سایر مساجد تبریز است در خارج شهر سر راه اصفهان واقع شده ایرانیها آنرا متروک گذارده مثل معبد کفار در آن نظر میکنند زیرا که سنیها یعنی پیروان عمر آنرا بنا کرده‌اند بنای این مسجد بسیار عالی و نمای آن که پنجاه قدم ارتفاع دارد هشت پله از کف زمین معبر کرسی دارد و از خارج دیوارهای آن همه از کاشی‌های برنگهای مختلف پوشیده شده و از طرف داخل با نقش و نگارهای عالی بسبک معماری اعراب و کلمات بسیار بخط عربی از طلا و لاجورد زینت یافته از دو طرف نمای دو مناره با برج خیلی بلند اما کم قطر ساخته‌اند که در میان آنها راه پله تعبیه شده است که بالا میروند سطح ظاهر مناره‌ها هم کاشی است و این آجرهای منقش و براق زینت معمولی است که در ایران انیه را بدان می‌آریند و اغلب بناها منتهی میشود بیک گنبد بشکل عمامه که ایرانیها بر سر می‌گذارند و درب مسجد چهار پا بیشتر عرض ندارد و در وسط یک تخته سنگ سفید شفاف تراشیده شده که بیست چهار پا طول دازد یعنی ارتفاع و دوازده پا عرض آن سنگ است و در میان سطح آن نمای بزرگ خیلی نمایش دارد و عظیم بنظر می‌آید از رآمر و مسجد داخل گنبد میشود که سی و شش قدم قطر آنست دایره گنبد سه مساوی قطر آن میشود

این گنبد از طرف داخل روی دوازده مجردی بنا شده که شانزده مجردی هم از خارج تکیه گاه آنست و این مجردی‌ها شش پای مربع حجم آنهاست طرف پائین در اطراف يك سکوئی از مرمر سفید ساخته شده که زیر آن خالی و خانه خانه است برای اینکه کفش‌ها را داخل مسجد میکنند در آن خانه‌ها میگذارند این گنبد از طرف داخل با آجرهای کوچک مربع از کاشی‌های الوان مختلف گل و بوته دار موزائیک شده که در میان آنها به تناسب کلمات عربی گنجانیده و بقدری خوب جفتکاری کرده‌اند که گویا يك پرده نقاشی است که تمام با مقراض و پرگار ساخته شده است ازین گنبد داخل يك گنبد کوچکتری میشود که خیلی قشنگتر از اولی است در قعر آن از سنگ مرمر شفاف سفید يك چیزی ساخته شده که شباهت دارد بيك دری که باز نشود (محراب) این گنبد مجردی ندارد اما ازاره آن بقدر هشت پا ارتفاع از سنگ مرمر سفید است و سنگ‌ها بيك عرض و طول دیده میشود که ماهی تمجب و حیرت است تمام این گنبد از مینای بنفشه رنگ است که روی آن اقسام گل‌های صاف نقاشی شده سطح خارج هر دو گنبد هم از همین کاشیها مستور ولی نقاشی آنها برجسته است روی گنبد اولی گل‌های سفید روی زمینه سبز و گنبد دومی ستاره‌های سفید روی زمینه سیاه و همه رنگها بیابصره لذت و فرح میدهند نزدیک درب مدخل که از گنبد بررک داخل گنبد کوچک میشود طرف دست چپ بيك منبری از چوب گردو بدیوار تکیه داده که نجاری آن تعریفی نداشت شش پله دارد و روپوش هم نداشت اما طرف دست راست بيك منبر دیگر از همان چوب بدیوار تکیه داده که نجاری آن خیلی اعلی و بالای سر آن سایبانی از همان چوب افراشته و دور محل نشیمن آن از چوب نرده کوچکی بناخته شده و چهارده پله دارد در سمت جنوب مسجد دو تخته سنگ خیلی بزرگ سفید شفاف غیر حاجب ماوراء نصب شده که وقتی آفتاب بر آنها میتابد سرخ رنگ میشود

بطوریکه چند لحظه بعد از غروب آفتاب هم میتوان در روشنائی و تلالوه آنها مکتوب قرائت کرد اینقسم سنك آلباتر (سلیمانی) است که در حول و حوش تبریز پیدا میشود چنانکه شرح آن را بعد خواهیم گفت روبروی مسجد در طرف دیگر معبر يك کرباس عالی و نمای دیگری دیده میشود که از يك بنای دیگر باقی مانده و بقیه آن بکلی خراب شده است و اینجا منزل شیخ امام بوده پنی کشیش بزرگ همچنین حمامهای بزرگ داشته که همه خراب شده ولی چند تاي آنها که از همه بدترند باقی مانده و در حفظ آنها مراقبت مینماید.

توضیح :

کاشی معرق باعین بی نقطه بینالناس مشهور و معروف است و همه کس معرق باعین بی نقطه مینگویند لیکن بنا به تحقیقات فاضل محترم آقای عباس اقبال آشتیانی در مجله (ایران امروز) شماره دهم سال دوم ص ۲۶ که معرق را باعین نقطه دار دانسته و با دلایل متقن خود ثابت کرده است مانیز باعین نقطه دار (معرق) نوشتیم به مجله نامبرده بلا رجوع شود .

